

نقش خانواده در پرورش شخصیت ادب و نزاکت

ادب و نزاکت فضیلتی است اجتماعی، همانطور که جرات و شهامت فضیلتی فردی میباشد. اگر معنای لغوی ادب را در نظر بگیریم میبینیم که معنی اصلی آن همان تمدن است و هر جا که تعلیم و تربیت با تمدن توأم میشود بلافاصله فرا گرفتن اصول ادب و نزاکت نیز مطرح میشود زیرا تنها به این وسیله میتوان روایتی بسیار خوشایند و مطلوب با اطرافیان برقرار نمود. ولیکن متأسفانه در قرن ما که عصر مساوات و برابری میباشد و به این امر مهم چندانی توجهی مبذول نمیکردند و مردم هیچگونه قید و بندی برای خود قائل نبوده، رفتارشان اغلب عصبی و خشونت آمیز است و این صفتی است که در بین جوانان بیشتر بچشم میخورد؛ به همین دلیل است که باید توجه بیشتری نسبت به تعلیم و آموزش ادب و نزاکت به افراد مبذول داشت.

خانواده نقش مؤثری در این امر ایفا میکند و این موضوع را میتوان در تمدن خاور دور مشاهده نمود که هنوز مسئله ادب و نزاکت برای افراد، لطفاً ورق بزنید



پوشاک
مجلس علمستان

ارکان شخصیت

واضح است که ادب و نزاکت یکی از ارکان شخصیت است که خیلی زیاد به تعلیم تربیت محتاج است. بعید بنظر میرسد که این صفت ذاتی باشد و چنانکه کمی هم ذاتی باشد در مقابل نقشی که آموزش در این امر دارد بسیار ناچیز و ضعیف است، البته لازم به تذکر است که اطفال با هوش و مهربان آسانتر ادب میشوند.

میتوان اظهار نظر نمود که اجتماع کوچک خانواده با ساختمان منظمش با روابط مستقل و با احتیاجات تنظیم شده اش خیلی بیشتر مستعد آموزش و تعلیم این صفت میباشد تا مدرسه و جاهای دیگر. در خانواده شرایط بسیار مساعدی وجود دارد زیرا از طرفی کودک خیلی زود عادات بسیاری کسب مینماید و از طرفی دیگر کمی بعد با روابط دیگری که در خانواده بین افراد وجود دارد آشنا میشود که هر دو را او بسیار مؤثرند. بعلاوه اول در خانواده است که طفل رعایت ادب را فرا میگیرد، زیرا هر فردی عادت میکند که در خانه رعایت حال دیگری را نموده، از ایجاد مزاحمت و با سروصدا و رنجاندن دیگران پرهیز نماید. در اینجا است که احترام گذاشتن به حقوق دیگری را فرامیگیرد. بدون شک در بین اطفال آموزش ادب و نزاکت

از طرفی جنبه تربیتی دارد و از طرف دیگر میتوان گفت که يك تغییر حالت تدریجی در روحیه و حسی طفل میباشد که اطاعت والدین کم کم آنرا رام مینماید. در اینجا است که تعلیم و تربیت واقعی که به صورت باطنی میباشد، خصوصاً زمانی که قدم به قلمرو عاطفه میگذازد، شروع میشود. آنچه که خانواده باید توجه بسیاری بدان بنماید ایجاد تعادل بین ادب

دارای اهمیت و ارزشی بسیار میباشد و من در مسافرت اخیرم که به ژاپن نمودم متوجه این امر شدم. در ژاپن آزادی و خودمختاری اطفال که به میل خود هر چه میخواهند انجام میدهند تضاد بسیاری با ادب و نزاکت دانش آموزان دارد.

در حالیکه يك کودک کستان را باز دید میگردم متوجه شدم که سالن مخصوص برای تعلیمات اصول و ستن قدیم وجود دارد و در آنجا اطفال کلیه این اصول را یاد میدهند.

بنابرین میتوان گفت که تاثیر مدرسه در این امر غیر قابل انکار است، ولی همه متفقا با این مسئله که قسمت عمده تغییرات، رفتار و کردار کودک ژاپنی در خانواده صورت میگیرد موافقت. حتی در کشورهای بزرگ صنعتی این کار بعهده خانواده میباشد.

ادب کودک ژاپنی از، متانت، توجهی صبورانه نسبت به اطرافیان، توداری و روشن بینی که مقدمه ای بردقت و صحت بعدی آنها میباشد تشکیل میشود، علاوه بر این طفل ژاپنی بسیار خوش خدمت و خوش رفتار میباشد.

این ادب و نزاکت به صورت نظم ظاهری و باطنی تجلی نموده و آنگاه به تسلط و حاکمیت بر رفتار و کردار فردی می پیوندد و به هیچوجه منکر لطافت و زیبایی این رفتار نمیتوان شد.

ادب ژاپنی حقیقتاً نمونه ای از يك نوع زندگی عالی و زیباست، بطوریکه میتوان توصیف زیبایی که يك نویسنده فرانسوی در مورد ادب نموده است بدان نسبت داد. او میگوید: ادب و نزاکت شامل ملاحظه ایست که ما در سخنان و رفتارمان بوجود می آوریم تا دیگران را از خود نرنجانیم و آنان را راضی نگهداریم.

از نظر ظاهری و باطنی میباشد .

زیرا اگر طفل اعمال و ژست‌های ظاهری ادب را فرا بگیرد و انجام دهد ولی قلباً بکاری که انجام میدهد ایمان نداشته باشد رفتار او همه ظاهری و بصورت فرمالیته میباشد . البته عکس این کار نیز ناراحت کننده است ، به این معنی که اگر در آموزش ، تنها بدلطیف نمودن روابط خانواده از نظر عاطفی پردازیم بدون اینکه اشاره‌ای به رفتار ظاهری لازمہ بنمائیم ، باز در خانواده بین افراد رفتاری زنده و ناراحت کننده ایجاد میشود .

چیزی که باید مورد توجه والدین قرار گیرد اینست که آنها نباید فقط فرزندان خود را به رعایت اصول نزاکت و ادب تشویق نمایند بلکه خودشان نیز باید چنین رفتاری را داشته باشند و در این اجتماع کوچک خانواده کلیه افراد باید رفتاری مودبانه و احترام آمیز نسبت بیکدیگر داشته باشند . بعلاوه والدین با مهربانی و متانت و تسلط کامل بر رفتار و کردار خود میتوانند نمونه و مدل خوبی برای فرزند خود باشند .

شکی نیست که غرض از آموزش ادب و نزاکت در وحله اول ایجاد محیطی خوشایند در خانه میباشد و با وجود اینکه تفاوت سنی بسیاری بین افراد حکم فرماست و اختلافاتی بین عقاید و اشتغالات این افراد وجود دارد معیناً این رابطه ایجاد میشود . ولی ادب نمیتواند به همین جا خاتمه یابد بلکه لازم است که گسترش یافته ، حس خیرخواهی و مهربانی نسبت بدیگران همچنین خوشحال شدن از خوشی اطرافیان را در فرد بوجود آورد . همین امر که به روابط خانوادگی نوعی جذبه و لطافت میدهد در حقیقت « نمره ادب میباشد » . بقیه در صفحه ۵۶